

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

سید ملک

۲۸ جولای ۲۰۲۰



از این که تا ساعت سه شب خوابم نبرد، از خواب برخاسته و طبق معمول دو رفیق دیرینه ام یعنی سیگارو چای را حاضر کرده و این شعر را سرودم.

برگ سبز و تحفه درویش

چو می بینم نباشد پایداری وضع دنیا را
جنون عشق را نازم که غوغا می کند برپا
زیس آزاده ام از دست ابنای زمان گویم
گاهی با خود می جنگم گاهی با مردم دنیا
چومنصور عاقبت سر را به راهی می کنم سودا
درون سینه ام آتش نشان است سخت می سوزم
اگر جان باختم شرط است بیا با چشم خودبنگر
به پیش چشم خود دادم زکف من دوستانی را
نباید دل بیندم لحظه امروز و فردا را
که سخت از پرده عصمت بیرون آورد زلیخا را
همان بهتر به پشت پا زدم این دهر رسوا را
به والله می ز دست دادم همه صبر و شکیبا را
به یکسو می گذارم این همه تشویش و سودا را
پیامی ده بیاید یکدمی آن سروی رعنا را
به یک داو می کنم سودا من دنیا و عقبا را
اگر این سیل نبرد امروز فردا می برد ما را